

خیلواکی

www.esteqlaal.net

استقلال



جمعه ۰۳ جولای ۲۰۲۰

مترجم: روانشاد محمد حسین انوری

## "سفر در افغانستان ویران شده"

سفر در افغانستان ویران شده، نام کتابیست نوشته خانم "جن گودوین" (Jan Goodwin)، یک نویسنده مشهور انگلیسی که در مورد مبارزات دلیرانه مردم افغانستان در مقابل تجاوزگران روسی و مزدوران بی مقدار، بی وجدان و شرف باخته خلقی- پرچمی آنها، به رشته تحریر درآمده است. این کتاب جالب و دلچسپ، چشم دید های نویسنده را به شکل بسیار واقعبینانه بیان می کند.

ترجمه این کتاب از آلمانی به دری، توسط زنده یاد انجنیر "محمد حسین انوری" صورت گرفته است که در هنگام حیات شان به این کمترین سپرده شد تا وظیفه تایپ و تصحیح آنرا در حد توان انجام دهم تا آماده چاپ و طبع گردد، مگر هنوز کار تایپ و تصحیح آن به نیمه نرسیده بود که اجل گریبان آن کاکای محترم و مهربانم را گرفت و داعی اجل را لبیک گفته و راهی دیار باقی گردیدند که روح شان شاد و یاد شان گرامی باد.

از آنجائی که در این چند سال پسین، بخصوص دو سال اخیر، یک تعداد انگشت شماری از زیر دار گریخته گی های خلقی - پرچمی، جهت پرده افگندن بر جنایات و رزالت های بی حد و حصر حزب منحلۀ شان و رهبران شرف باخته شان، و نیز خاک پاشی بر جنایات اربابان روسی شان، سرسختانه تلاش میکنند تا برف بام خود را بر بام مبارزین و مجاهدین واقعی و حقیقی افغانستان بیندازند، لذا تصمیم گرفته شد تا این ترجمه را با همه کمی ها و کاستی های آن، اگر در ترجمه و تصحیح صورت گرفته باشد، بصورت مسلسل در همین صفحه به نشر رسانده و در خدمت هموطنان قرار دهیم تا "سپه روی شود، هر که در او غش باشد".

بگذار این جمع وجدان مرده و شرف باخته، چپ و راست و هفته و چهارشنبه، مضمون بنویسند و نوشته های کج و معوج در سایت های مختلف بیرون دهند، تجزیه و تحلیل کس مخر و دل بد کن را در این سایت و یا آن سایت منتشر کنند، تفرقه بیندازند، قاموس وطنفروشی و خیانت تهیه و

ترتیب کنند، تبلیغات مضمّنز کننده حزبی خود را به خورد یک عده بدهند و فیل شان یاد هندوستان کند؛ اما مردم افغانستان پوست کلفت و کرکدن مانند این وطن فروشان جنایتکار را در چرمگری می شناسند.

افغانستان و مردم جنگزده و برباد داده شده آن، بخواهی، نخواهی، ممنون و مشکور سربازی ها و قربانی ها و از جان گذشتن های مبارزین و مجاهدین واقعی و حقیقی افغانستان هستند و خواهند بود. بازهم بگذار یک عده از این فرومایگان خلقی- پرچی در داخل کشور به خدمت امریکا، روس، ایران و ... قرار گرفته و به مقامات متزلزل در حکومت های فرمایشی قرار گرفته و نان به نرخ روز زهر مار کنند و بگذار یک مشت دیگر از این وجدان مرده ها، سر از این سایت فروخته شده بکشند و یا آن سایت دیگر و تمام جنایات خود را با کوبیدن بلاوقفه مجاهدین و مبارزین واقعی و حقیقی، به پای آن جانبختگان و سلحشوران سرافراز افغانستان بنویسند و تلاش کنند که گویا "بیانید گذشته ها را فراموش کنیم"، "بیانید قاموس بنویسم" و خنثی باشیم و....، ما اما هرگز نمی گذاریم گذشته ها فراموش شود و تاریخ هم حافظه قوی دارد.

**درود بر روان پاک شهدای سرافراز راه وطن و آزادی!!!**

این شما و اینهم ترجمه کتاب زیبای "سفر در افغانستان ویران شده"

**(استقلال- خپلواکی)**

## **سفر در افغانستان ویران شده**

نویسنده: جان گودوین

ترجمه: محمد حسین انوری

### **قسمت- ۱**

پیشگفتار ناشر-

"جان گودوین" در انگلستان متولد گردیده است ، شغل اصلی اش ناشر یک مجله معروف جهانی برای زنان میباشد. جان گودوین شهرت فوق العاده خود را در دراز مدت به حیث ژورنالیست، گزارش دهنده خارجی و روزنامه نگار کسب کرده است و مانند اوریانا فلانچی به این شهرت دارد

که دائماً انگشت بالای زخم های سیاسی هر زمان و مکان میگذارد. وی به صفت گزارش دهنده وقایع، به چهل (۴۰) کشور جهان سفر نموده، صحنه ها، حادثات، وقایع و حقایق هر جنگ را در شرق و غرب شخصاً بررسی و مشاهده کرده است.

اقدام دلیرانه وی یقیناً سفر در داخل افغانستان ویران شده از جنگ میباشد.

جان گودوین با یک گروه مجاهدین مخفیانه در داخل آن سرزمین سفر کرده، سلاح و مهمات انتقال داده، سنگر های مخفی رزمندگان آزادیخواه را کشف نموده و خود نیز در صحنه های جنگ اشتراک ورزیده است.

جان گودوین برای اینکه در جمعیت مردان رزمنده قبول شده بتواند، تماس های نزدیک در منطقه سرحدی پاکستان برقرار نمود، او موهای دراز و سرخ خود را کوتاه و سیاه رنگ کرد، نظر به ایجاب شرایط، چادری به سر کرد و خود را با لباس جنگی رزمندگان افغان ملبس کرد و در هر لحظه و مکان چشمان خود را باز نگه داشت.

افراد مورد اعتماد اش وی را مخفیانه در داخل افغانستان، اردوگاه های مهاجرین، شهر ها، قصبات و سنگر های رزمندگان آزادیخواه بدرقه نمودند، موصوف حملات قوای نظامی شوروی را مشاهده کرد، با اهالی دهکده ها صحبت نمود، تخریبات قریه ها را در اکثر مناطق آن سرزمین با چشمان خود دید، فرار مهاجرین را بررسی نمود، از مجروحین ملکی دیدن کرد، با سربازان محبوس جنگی شوروی مصاحبه نمود و همچنان شرایطی را برای خود امکان پذیر ساخت تا از طریق هند به کابل نیز سفر نماید. بدین منظور استفاده از پاسپورت انگلیسی برایش کمک نمود تا داخل ارگان های حزب کمونیست کابل گردد، تذکرات، بررسی و درک وقایع را که جان گودوین در گزارشات خود بالای هم قرار داده و نتایجی که از آنها استحصال کرده است، به گونه روشن و بدون مفهوم ایدیالوژی یک جنگ غیر قابل نفوذ را تشریح میدارد. کتاب وی نه تنها شهکار ارزنده گزارشات مطبوعاتی به شمار میرود، بلکه در عین زمان توضیحات آن به پیمانه وسیع بیدار کننده ذهنیت ها در عدم جنگ بوده که احساس و ادراک هر خواننده را هشدار میدهد و نه تنها از بی مفهومی جنگ افغان- روس سخن میراند، بلکه از اکثر جنگ ها حکایت میکند.

اهدا برای وکیل، حمید و تور که افغانستان را دوست دارند

و آزادی خود را در جایی که زندگی می کردند، از دست داده اند

اهدا برای محراب خان(میر باز) و تعداد کثیری افغان ها

که زندگی را دوست داشتند و آنرا در راه آزادی میهن شان قربان کردند.

مقدمه:

به منظور اینکه یک گزارش مختصر برای مجله " لیدیس هومی ژورنال" تهیه نمایم در ماه جولای 1984 برای اولین بار به افغانستان سفر کردم، یک سال بعد دوباره به آن سرزمین باز گشتم. خیلی ها فهمیده نمی توانستند که چرا من جان خود را در خطر انداخته بار دگر برای مدت طولانی در داخل خطوط محاروبی قوای نظامی شوروی در افغانستان سفر میکنم. درحالیکه دفتر کار من مرا مجبور نساخته بود، زیرا من ناشر یک مجله زنان بودم، نه تهیه کننده گزارش جنگی.

برای این سوال من صرف یک پاسخ دارم، هرگاه شخصی مانند من با مردان و زنان افغان برخورد کرده باشد که روح و جسم آنها در اثر شکنجه های غیر انسانی شکسته شده باشد، هرگاه کسانی مانند من تعداد کثیری اطفال افغان را دیده باشد که دست و پا و چشمان خویش را توسط بمب های اسباب بازی نما از دست داده باشند، هرگاه هر فرد جامعه مانند من با ترس بی سابقه شاهد بمباردمان متواتر قریه های افغانستان بوده باشد که در یک لحظه توسط طیارات جنگی شوروی با خاک یکسان گردیده، باید بگویم که چنین وقایع اندوهبار را که امروز در عالم بشریت رُخ داده است، هرگز نباید فراموش کرد.

بعد از اینکه من مرگ تدریجی یک ملت را توسط قوای نظامی شوروی با چشمان خود مشاهده کردم، فهمیدم که این داستان غم انگیز را باید به رشته تحریر درآورد.

با این کتاب بنام "سفر در افغانستان ویران شده" می خواهم برای همه جهانیان بفهمانم که هرچند مردم افغانستان در آنطرف کره زمین زندگی میکنند و به زبان دیگری صحبت می نمایند، ولی در روح و روان مردمان این سرزمین بسی ریشه های عمیق وجود دارد که هرگز نمی خشکد و آن عبارت از عشق و علاقه در آزاد زیستن و استقلال میهن شان است.

احساس ترس، اندوه و بیچارگی این مردم عواملی است که ما همه باید آنرا فهمیده بتوانیم.

این کتاب یک جنگ بی تناسب و غیر عادلانه را از نگاه انسانی اش حکایت میکند، ولی من به صفت یک زن ، جناح دیگری از رزمندگان را درک کرده ام و برعکس آن است که ژورنالیست های مرد اکثراً به شکل عادی در باره آن راپور داده اند.

رزمندگان آزادی خواه افغان رویه ممتاز و چهره واقعی خویش را در مقابل من نشان دادند و من برای این مردان احساس احترام و محبت میکنم.

در سفر دوم خود با یک گروه مجاهدین آزادیخواه افغان در ده ولایت، از جمله بیست و هشت ولایت افغانستان سفر کردم، باید اعتراف کنم که از نظر روحی و جسمی سفر پُر از مشقت بود و در جریان آن لحظات ترسناکی برایم پیش آمد که بعضاً در مورد عقل سلیم خود شک میکردم، ولی در اخیر توانستم تندرست و سالم به کشور خود برگردم، درحالیکه نصف نفوس ملت افغان به میهن شان برگشته نمی توانند.

**قسمت اول**

**شاهد جنگ**

ادامه دارد...